

چکیده

موضوع ازدواج بانوان ایرانی با اتباع بیگانه همزمان با ورود همسایگان افغانی و عراقی در کشور ما وضعیتی جدی به خود گرفته و مشکلاتی را به همراه داشته است. این ازدواج ها افزون بر بوجود آوردن مشکلات اجتماعی و حتی سیاسی بر شرایط خانوادگی و اخلاقی آنان نیز تاثیر بسزائی دارد. در نظام حقوقی فعلی ایران تفاوت تابعیت شوهر نسبت به زن ایرانی داخل در موانع نکاح به عنوان یک مانع از سوی قانونگذار در ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی وضع گردیده است اما تفاوت تابعیت شوهر به عنوان یک مانع در منابع فقهی فاقد هر گونه سابقه است. در مقاله حاضر، مفهوم نکاح و تابعیت، مقدمات و شرایط قانونی مربوط به محدودیت ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی، وضعیت و آثار ازدواج بانوان ایرانی با اتباع بیگانه مورد بررسی قرار گرفته است و در خاتمه پیشنهاد گردید. با توجه به عدم آگاهی بانوان از پیامدهای چنین ازدواجی به نحو شایسته، آموزشهای لازم قبل و حین ازدواج از طریق رسانه های گروهی در قالب الزامات قانونی با اهتمام جدی تری در دسترس همگان قرار گیرد .

واژگان کلیدی: تابعیت، اخلاق، اتباع بیگانه، نکاح، موانع نکاح، قانون مدنی

طرح مسئله

در سالیان اخیر با توجه به اقدامات بشردوستانه جمهوری اسلامی ایران در پذیرش آوارگان کشورهای مختلف و هم چنین مشکلات سیاسی برخی کشورهای همسایه ما شاهد ورود و پناهندگی اتباع آن کشورها به ویژه اتباع افغانستان و عراق که جمعیت قابل توجهی را تشکیل می دهد به ایران هستیم، این همزیستی مسالمت آمیز تبعاتی نیز به دنبال داشته است که یکی از آنها ازدواج بانوان ایرانی و اتباع خارجی است. با توجه به مساله تابعیت و احوال شخصیه در قوانین داخلی کشورها و مشکلات ناشی از این ازدواج ها رعایت برخی مقررات علاوه بر قواعد شرعی مربوط به نکاح می تواند تضمین کننده حمایت های قانونی از این ازدواج ها باشد و به بیان دیگر در این سال ها رشته این ازدواج ها از دست قانونگذار ما رها شده و کشور ما را با مسایلی جدی چون بی تابعیتی کودکان حاصل از این ازدواج ها، ابهام وضعیت حقوقی ازدواج های بدون مجوز (پروانه زناشویی)، ایجاد فساد و بزهکاری در میان کودکان حاصل از این نوع ازدواج ها، سردرگمی زن ایرانی در صورت جدایی همسر یا فوت وی و غیره.... روبرو ساخته است. ازدواج تبعه ایرانی با تبعه بیگانه از دوجنبه قابل بحث و بررسی است، اول از نقطه نظر مرد ایرانی که قصد ازدواج با زن خارجی را دارد و دوم از نقطه نظر زن ایرانی که قصد ازدواج با مرد بیگانه را دارد. در مقاله حاضر قصد ما بر این است که ازدواج مورد نظر را از جنبه دوم یعنی از نقطه نظر زن ایرانی که قصد ازدواج با مرد بیگانه را دارد بررسی نموده و موانع و تبعاتی را که در این مسیر بر سر راه این نوع ازدواج وجود دارد به چالش بکشیم.

۱- نکاح (ازدواج)

واژه ازدواج صرف نظر از معانی مجرد و انتزاعی آن که همان نهاد اجتماعی ازدواج می باشد، در معانی متمایز دیگری نیز بکار می رود یعنی هم برای بیان رابطه بین زن و شوهر و هم برای مراسم و تشریفات مذهبی و اجتماعی که وابستگی و وضعیت حقوقی زن و مرد و تعهدات قانونی مربوطه، که براساس آن زن و مرد با یکدیگر پیوند زناشویی می بندند را شامل می شود و هم بیانگر رابطه موجود بین زن و مرد است که می توان از آن به وضعیت «زن دار بودن» و یا «شوهردار» و یا با عبارت دیگر تأهل نام برد. (البرزی ورکی، ۱۳۷۱: ۴)

به عبارتی ازدواج لفظی عربی است که دو متمایز را با یکدیگر متقرن می سازد و به عبارت ساده تر به معنای «جفت گرفتن و با هم جفت شدن» است. این معنا به تدریج در اقتران مرد با زن به نحو مخصوصی برای تکوین خانواده به کار رفته تا آنجا که به طور اطلاق جز این معنا، معنای دیگری به ذهن متبادر نمی شود. اما در اصطلاح فقه، فقهای اسلامی تعریف های گوناگونی دارند که همه آن تعریف ها در اطراف هدف اصلی ازدواج یعنی حلال بودن استمتاع مرد و زن دور می زند. گروهی می گویند «ازدواج عقدی است که استمتاع مرد از زنی را که مانع شرعی برای نکاح وی وجود نداشته باشد حلال می کند.»

(شیخ الاسلامی، سیداسعد، احوال شخصیه، ازدواج و پایان آن در مذاهب چهارگانه اهل سنت، ج اول، مرکز نشر دانشگاهی، ۷/۶)

۱-۱- تعریف نکاح (ازدواج)

ازدواج مصدر ثلاثی از باب افتعال و نکاح مصدر باب مفاعله است، این دو واژه در اصطلاح فقهی و قانونی، به معنای رابطه ای است حقوقی که لازمه آن کامجویی بین زن و مرد است، چنان که واژه نکاح نیز به همین معنا است، هر چند از نظر لغت ازدواج به معنای متحد شدن دو انسان است و نکاح به معنای همخوابی آن دو است. (ابراهیمی، محمد، ازدواج با بیگانگان، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ص ۱۵)

نکاح عبارت است از رابطه حقوقی که به وسیله عقد بین زن و مرد حاصل می گردد و به آنها حق می دهد که تمتع جنسی از یکدیگر ببرند و از نظر ترمینولوژی، نکاح عقدی است بین مرد و زن برای وحدت زندگی، عقدی است که مقصود علیه همان متعاقدين هستند و قانون برای آن صیغه خاص را شرط ندانسته است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶)

نکاح در حقوق مدنی ایران کاملاً از حقوق امامیه اقتباس شده است. در حقوق مدنی نکاح از حقوق غیرتشریفاتی به شمار می رود و با ایجاب و قبول زوجین که دلالت بر رضای آنها بنماید منعقد می شود و عدم ثبت آن در دفاتر رسمی ازدواج تأثیری در انعقاد نکاح ندارد. عقد نکاح مانند عقود دیگر می بایست دارای تمام شرایط اساسی صحت که در ماده ۱۹۰ قانون مدنی مقرر گردیده است باشد، در غیر این صورت و با فقدان یکی از آنها نکاح محقق نمی گردد. (امامی، ۱۳۷۷: ۴: ۲۶۸)

صاحب جواهر پس از ذکر اقوال مختلف در معنای لغوی و اصطلاحی نکاح می فرماید: نظر مشهور این است که نکاح در لغت به معنای همخوابی است و در شرع به معنای عقد است (نجفی، ۱۳۷۴: ۲۹: ۵/۶) و ابن ادریس مدعی است که در این معنا هیچ یک از علماء اختلافی ندارند و ابن فهد و شیخ طوسی و فخرالمحققین ادعا اجماع دارند، چه این که استعمال این واژه (نکاح) در عقد متداول است. صاحب تفسیر کشاف (زمخشری، ۱۴۱۵: ۳: ۵۴۸) (ذیل آیه ۴۶ سوره احزاب) معتقد است که واژه نکاح در قرآن جز در آیه «حتی تنکح زوجاً غیره» به معنای همخوابی نیامده است، یعنی در تمام موارد، استعمال این واژه در قرآن به معنای عقد ازدواج است. جالب اینکه در آیه فوق نیز بعضی آن را به معنای ازدواج گرفته اند نه همخوابی و گفته اند: شرط بودن همخوابی برای حصول حلیت در چنین ازدواجی، از دلیل خارجی فهمیده می شود نه از آیه شریفه مذکور.

۲- فلسفه ازدواج

هدف از ازدواج هم برای مرد و هم برای زن، پاسخ مثبت دادن به سنت الهی و تولید نسل است. لذا هر دو در این زمینه بر یک عقیده اند. فلسفه ازدواج براساس این دو مبنا ملاک دین و نجابت است. در نتیجه، هدف از ازدواج و تولید نسل، مقدس می گردد و هیچ یک از مادیات ملاکی برای آن به حساب نمی آید.

اصولاً فلسفه خلقت زن و مرد (زوجیت) تولید مثل است، همانگونه که این زوجیت در سایر حیوانات و حتی گیاهان نیز وجود دارد. نکته اصلی که باید در ازدواج مورد توجه هر دو طرف باشد دین و کمال است. از این رو، از روایات نقل شده از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار علیهم السلام

چنین برمی آید که هر کس ممکن است به یکی از چهار دلیل ازدواج کند: ۱- پول ۲- دین ۳- زیبایی ۴- شهرت و عنوان. بین این چهار هدف، دین از همه بالاتر و بهتر است.

اما به طور کلی نیازهای ایجاب کننده ازدواج عبارتست از:

الف- نیازهای فردی

ب- نیازهای اجتماعی

ج- نیازهای مذهبی

۱-۲- نیازهای مذهبی و اخلاقی ازدواج

ضرورت های مذهبی و اخلاقی ازدواج از دو جنبه قابل بررسی اند: از جنبه آیات و از جنبه روایات

الف) ازدواج در آیات: این سوال همواره مطرح بوده است که چرا خداوند انسان و یا حیوانات و حتی گیاهان را زوج آفرید؟ فلسفه زوجیت انسان ها، گیاهان و حیوانات چیست؟ در پاسخ به این سوال، به اجمال می توان گفت که فلسفه زوجیت در انسان ها به ازدواج باز می گردد. اما پس از آن، این سوال مطرح می گردد که آیا ازدواج فقط برای تأمین غریزه جنسی است؟ آیا برای شروع مسائل اجتماعی است؟ آیا برای ایجاد انس میان دو زوج مخالف با هم است؟ در پاسخ باید گفت که خیر، هدف از ازدواج این مسائل نیست. فلسفه ازدواج چیز دیگری است و آن امتداد نسل، بقای آن و اتمام ترکیبات عاطفی زن و مرد به دلیل تولید مثل می باشد، همان گونه در برخی از آیات به این مطلب اشاره شده است: خداوند در سوره نساء، آیه (۷) می فرماید: «یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها و بث منهما رجالا و نساء کثیرا و اتقوا الله الذی تسائلون به و الارحام ان الله کان علیکم رقیبا»؛ ای مردم، بترسید از پروردگار خود که شما را از یک تن آفرید و از او جفتش را بیافرید و از آنان مردان و زنان بسیاری گسترانید و بترسید از خداوندی که از او و از ارحام پرسش می شود. بر شما نگاهبان است.

ب) ازدواج در روایات: اسلام در این زمینه دودسته را مخاطب قرار داده است و ازدواج را به آنها توصیه می کند:

۱- کسانی را که به قصد ارضای غریزه شهوت و محافظت از آلودگی ازدواج می کنند، ولی از پیدایش نسل جلوگیری می نمایند.

۲- کسانی را که علاوه بر ارضای غریزه شهوانی، قصد تشکیل خانواده نیز دارند و در نتیجه، خواهان نسل هستند. اما به طور کلی دسته دوم بیشتر مورد خطاب اند زیرا خانواده بدون فرزند در همان وصلت و گوشه حجله، بدون استمرار دنباله خلاصه می شود.

نظر به وجود منافع و اهمیت های ازدواج است که اسلام آن را تایید کرده و ضرورت آن را در درجه اول اهمیت و مورد تاکید قرار داده است.

۲-۲- ضرورت های ازدواج از نظر اسلام

۱. محبوب ترین بنا: بنای تشکیل خانواده در اسلام محبوب است، تا آنجا که هیچ سازمان و بنایی نزد خدا محبوب تر از آن نیست. لذا پیامبر گرامی (ص) می فرمایند: «ما بنی بناء فی الاسلام احب الی الله من التزویج» نزد خداوند هیچ بنایی محبوب تر از خانه ای نیست که از طریق ازدواج آباد گردد. (میرزا آقانووری طبرسی، ۱۳۶۸: ۱۴: ۱۵۳)

۲. عامل تکمیل دین: ازدواج غیر از ایجاد نظم در زندگی، وسیله ای برای حفظ و تکمیل دین است. بدان دلیل، ازدواج تکمیل کننده ایمان است که به وسیله آن، بسیاری از گناهان از وجود آدمی ریشه کن می شود و راه برای سعادت مندی او از هر سو فراهم می گردد. لذا، رسول اکرم (ص)

فرمودند: «من تزوج فقد احرز نصف دینه» (حرعاملی، ۱۳۷۴: ۲۰: ۱۷). هر کس ازدواج کند نیمی از دینش را باز یافته است. در جای دیگر، فرمودند: «ما من شاب تزوج فی حدائه سنه الا عجز شیطانہ یا ویله عصم منی ثلثی دینه» (همان) هر کس در ابتدای جوانی ازدواج کند شیطان فریاد می کند: ای وای، دو سوم دین خود را از شر من حفظ کرد.

۳. موجب ازدیاد نسل: پیامبر (ص) فرمودند: «تزوجوا فانی مکاثر بکم الامم غدا فی القیامه» ازدواج کنید؛ زیرا من به زیادتى شما نسبت به امت های دیگر در قیامت مباحثات می کنم. (این که امروزه در کشور ما با توجه به احکام ثانویه، به مهار جمعیت حکم می شود مطلب دیگری است که این مختصر مجالی برای طرح آن نیست)

۴. موجب ازدیاد مسلمانان: پیامبر (ص) فرمودند: «ما یمنع المؤمن ان یتخذ اهلا لعل الله یرزقه نسمة تثقل الارض بلا اله الا الله» (همان، ۱۴) چه مانعی دارد که مؤمن زنی بگیرد تا خداوند فرزندی نصیبش کند که با کلمه لا اله الا الله زمین را گرانبار کند؟

۵. موجب ازدیاد روزی: پیامبر (ص) فرمودند: «اتخذوا الاهل فانه ارزقکم» (همان)؛ روزی را به وسیله زن گرفتن زیاد کنید. در حدیث دیگری، امام رضا (ع) می فرماید: «اذا جائکم من ترضون خلقه و دینه فزوجوه» (همان) اگر خواستگاری آمد که دین و اخلاقش را پسندید او را اجابت کنید. در روایتی پیامبر (ص) فرمودند: «من ترک التزویج مخافه العیله فقد ساء ظنه بالله عز و جل ان الله یقول: ان یكونوا فقراء یغنهم الله من فضله» (همان) هر کس ازدواج را از ترس فقر و تنگدستی ترک کند به خدا سوء ظن برده است، زیرا خداوند می فرماید: اگر (زن و شوهر) فقیر باشند خدا هر کدام را از کرم خود بی نیاز می کند. بنابراین، در هر صورت، روزی زن و مرد با خداست.

۶. نشانه پیروی از سنت پیامبر اکرم (ص): حضرت علی (ع) فرمودند: «تزوجوا فان التزویج سنه رسول الله فانه کان یقول: من کان یحب ان یتبع بسنتی فان من سنتی التزویج» (همان) ازدواج کنید، ازدواج سنت پیامبر (ص) است. آن جناب فرمودند: هر که می خواهد از سنت من پیروی کند، بداند که ازدواج سنت من است.

۷. نشانه پیروی از سنت پیامبران علیهم السلام: امام رضا (ع) فرمودند: «ثلاث من سنن المرسلین: العطر و اخذ الشعر و کثره الطرقة» (همان) سه چیز از سنت های پیامبران است: استعماله عطر، ازاله موهای زاید و ازدواج کردن.

۸. موجب جلب رضایت الهی: پیامبر (ص) فرمودند: «ما من شیء احب الی الله عز و جل من بیت یعمر فی الاسلام بالنکاح» (همان) هیچ چیز نزد خداوند محبوبتر از این نیست که خانه ای در اسلام به وسیله ازدواج آباد گردد.

۹- موجب کسب طهارت معنوی: پیامبر (ص) فرمودند: «من احب ان یلقى الله طاهراً مطهراً فلیلقه بزوجه» هر کس می خواهد خدا را پاک و پاکیزه ملاقات کند باید هنگام مرگ متاهل باشد.

۱۰. بهترین بهره و سود: امام رضا (ع) فرمودند: «ما استفاد امرء بعد الاسلام فائده خیرا من امراه مسلمه...» (همان) پس از ایمان به خدا، هیچ انسانی بهره ای بهتر از همسری مسلمان به دست نیاورده است.

۱۱. گشودن درهای رحمت الهی: پیامبر (ص) فرمودند: «یفتح ابواب السماء بالرحمه فی اربع مواضع: عند نزول المطر و عند نظر الولد فی وجه الوالد و عند فتح باب الکعبه و عند النکاح» (میرزا آقائوری طبرسی، ۱۳۶۸: ۱۴: ۱۵۲) درهای رحمت آسمان در چهار موقع گشوده می شود: ۱- هنگام

باریدن باران ۲-وقتی فرزندی از سرمهر به صورت پدرش بنگرد ۳- زمانی که در خانه کعبه گشوده می گردد ۴- در وقت اجرای عقد نکاح(همان)

۳-تابعیت

تابعیت در لغت به معنای پیروی و اطاعت کردن است و در علم حقوق به عنوانی یکی از مظاهر جداسازی افراد یک دولت از دول دیگر از جمله اصطلاحاتی بوده که تعاریف گوناگونی در مورد آن ارائه شده که این تعاریف گاه با تکیه بر عناصر سیاسی و گاه با تکیه بر عنصر معنوی بیان گردیده است.

ژان پول نی بوایه، رابطه مزبور را یک رابطه ی سیاسی و معنوی دانسته و تابعیت را چنین تعریف کرده است. «در تابعیت نوعی از ارتباط سیاسی است که به موجب آن فرد جزء عناصر اساسی و دولتی کشور می گردد.» در تعبیر دیگری که مبتنی بر شناسایی این رابطه به عنوان رابطه سیاسی - حقوقی است، هانری باتیفول و پل لاگارد تابعیت را تعلق حقوقی شخص به جمعیت تشکیل دهنده یک کشور دانسته اند. (سروی مقدم، پایان نامه کارشناسی ارشد، سال ۱۳۷۱، دانشگاه شهید بهشتی)

در واقع هر دولتی ارتباط خود با اتباعش را بنابر مقتضیات سیاسی، اجتماعی خود تنظیم می کند نوع رابطه و نگرش کلی حاکمیت نسبت به آن در محدودیت وضع شده بر نظام ازدواج اتباع خارجی با زنان ایرانی نیز بی تأثیر نمی باشد.

۴-مفهوم بیگانه

بیگانه در لغت به معنای غیر آشنا، غریبه و خارجی و مقابل آشنا و بیگانه می باشد. (دهخدا، ۱۳۴۵، حرف ب، بخش دوم) در اصطلاح حقوقی این لفظ به افراد یا اشخاصی اطلاق می شود که براساس نظام حقوقی کشورمان، ایرانی محسوب نشوند و به تعبیری تابعیت ایرانی نداشته باشند حتی اگر آپاترید (بدون تابعیت) باشند که از این لحاظ بیگانه محسوب می شوند از دیدگاه عرف نیز بیگانه کسی است که از نظر کشوری که در آن سکونت دارد ناآشنا و اجنبی تلقی گردد.

۴-۱-مفهوم بیگانه در اسلام و ایران

در فقه اسلام غیر مسلم را اجنبی و بیگانه فرض می کنند و از نظر مسلمانان کفار نیز بیگانه محسوب می شوند. به بیان دیگر بیگانه به کسی اطلاق می شود که متعهد به دین اسلام نبوده و مسلمان نباشد.

در فقه اسلام بیگانگان به سه دسته تقسیم می شوند:

اهل کتاب:

اهل کتاب مرد غیرمسلمانی هستند که کتب مذهبی آنان در قرآن ذکر شده و این افراد در صورتی که خراج مقرر شده را به بیت المال پرداخت نمایند می توانند در میان مسلمانان و در کشور اسلامی سکونت داشته باشند مالیاتی را که اهل کتاب به مسلمین می پرداختند به نام جزیه معروف بوده که در مقابل پرداخت این جزیه مسلمین نیز از جان و مال اهل کتاب محافظت می کردند.

مستامن:

کلمه مستامن در مورد کسانی بکار می رود که موقتاً در سرزمین اسلامی سکونت نمایند. این افراد می بایست قبل از ورود به خاک مملکت اسلامی اجازه توقف تحصیل نموده و بدون اجازه حق اقامت در سرزمین اسلامی را نخواهند داشت. این افراد در مقابل این اقامت هیچگونه خراجی به مسلمین پرداخت نمی کردند مگر آنکه مدت اقامت آنان به پایان رسیده باشد که در این صورت برای تمدید اقامت می بایست مالیاتی مشخص را به دولت اسلامی پرداخت می کردند.

بت پرستان:

بت پرستان از نظر مسلمانان افراد طرد شده از جامعه محسوب می شدند و اصولاً هیچ گونه حقی برای این گروه در جامعه اسلامی متصور نبوده البته در عمل دولت اسلامی تا اندازه ای این گروه را مورد ارفاق قرار می داده است ولی در هر حال می توان گفت در جامعه اسلامی بطور کلی برای این افراد حقوق قابل توجهی وجود نداشته است.

۲-۴- دیدگاه امام خمینی (قدس سره)

امام خمینی نیز گروههای کفار و مشرکین را چنین توصیف می کنند «گروه های کفار و مشرکان و بت پرستان و ستاره پرستان و غیره، خواه عرب باشند یا عجم و خواه منتسب به پیامبران صاحب کتاب باشند مانند حضرت ابراهیم (ع) و حضرت داوود (ع) و یا غیره، همچنین از کسی که از اهل یهودی و زرتشتی نبوده و بعد از اینکه کتب این سه مذهب به وسیله اسلام نسخ شده به یکی از این سه مذهب درآید پذیرفته نیست بلکه جزو گروه های حربی محسوب می شود» (امام خمینی، ۴: ۴۰۲)

۵- بررسی وضعیت ماده ۱۰۶۰ ق.م.ا از نظر فقهی

مفهوم بیگانه در فقه اسلامی با آنچه امروزه در ایران رواج یافته متفاوت است. مفهوم بیگانه تا حدود زیادی از منظر دینی در اسلام بررسی شده، یعنی تمامی غیر مسلمانان از نظر اسلام بیگانه محسوب می شوند در نتیجه وقتی صحبت از ازدواج با بیگانه در اسلام به میان می آید مقصود همان ازدواج مسلمان با غیر مسلمان است.

نکته دیگر اینکه اکثر فقها ازدواج زن مسلمان با بیگانه را از منظر حلیت یا حرمت بررسی نموده اند به بیان دیگر فقها این نوع ازدواج را مستقیماً از جهت صحت یا بطلان بررسی نموده اند تا روشن شود که آیا ازدواجی از این دست اگر حرام هم باشد آیا باطل و یا غیر نافذ خواهد بود.

ماده ۱۰۵۹ ق.م. نیز صرفاً ازدواج مسلمة با غیر مسلم را جایز ندانسته است. همچنین مانع تفاوت تابعیت شوهر، به عنوان موضوعی که حقوق ما امروزه با آن در برخورد با قواعد جدید و پیچیده تابعیت با آن دست به گریبان است، نیز به لحاظ فقهی مورد تصریح قرار نگرفته است. البته لازم به ذکر است که نمی توان بر فقهای اعصار قبل خورده گرفت زیرا همانطور که بیان شد مفهوم بیگانه در اسلام کاملاً متفاوت است از مفهوم ناسیونالیستی آن در حال حاضر می باشد اما پرواضح است که اکنون ما نیازمند قواعدی منظم و منسجم روشن در باب چنین ازدواج هایی می باشیم. در مورد ازدواج زنان مسلمان با مردان غیر مسلمان اتفاق نظر فقهای شیعه (الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۵، ص ۲۳۴؛ تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۸۵؛ الفقهه علی المذاهب الخمسه، ج ۲، ص ۴۸؛ سید ابوالقاسم خوی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۲۷۰؛ اللمعة الدمشقیة، ص ۱۶۷؛ جامع المقاصد، ج ۱۲، ص ۳۹۱ با تحریر المجله، ص ۵۰) و اهل سنت (المدوقه الکبری، ج ۲، ص ۳۰۱؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۲۷۱؛ الفقه علی المذاهب الاربعه و اهل البیت (ع)، ج ۴، ص ۱۰۸) و ظاهر آیات قرآن بر این است که ازدواج زن مسلمان با هر فرد

غیرمسلمان اعم از این که کتابی باشد یا غیر کتابی جایز نیست چنان که آیه ۲۲۱ سوره بقره می فرماید: «ولا تنکحوا المشرکین حتی یؤمنوا ولعبد مومن خیر من مشرک» بنابراین آیه فوق تصریح دارد که زنان مسلمان نمی توانند با افراد مشرک یا مردان کافر غیر مشرک ازدواج کنند چه اینکه در سوره مائده (آیه ۵) - که از حیث نزول آخرین آیات قرآن است - تنها ازدواج با زنان اهل کتاب را بر مسلمانان حلال کرده و نه عکس آن را و از طرفی روایات فراوان به صورت صریح، ازدواج زن مسلمان و مرد غیر مسلمان را مطلقاً ممنوع دانسته است. (ابراهیمی، ۱۳۷۷: ۱۱۷) لازم به ذکر است که فلسفه تحریم این ازدواج در قرآن و روایات، خوف تأثیرپذیری در مورد مردان (بخصوص در دوران حاکمیت اسلام) ضعیف تر است لذا در شرایطی که غیر مسلمانان ضعیف بوده و با مسلمانان قرارداد امضاء کرده باشند به مردان اجازه ازدواج داده شده است ولی از آن جا که زنان به صورت نسبی در معرض تأثیرپذیری جدی تری قرار دارند، از این ازدواج مطلقاً منع شده اند. به بیان دیگر شاید بتوان ضعف عقیدتی زنان را عامل اصلی این طرز تلقی بیان کرد. قرآن کریم بعد از حکم به لزوم اجتناب از ازدواج با مشرکان می فرماید. («اولئک یدعون الی النار والله یدعوا الی السجده و المغفره» سوره بقره، آیه ۲۲۱)

عده ای دیگر از فقها با استناد به آیه ۱۴۱ سوره نساء: «لن یجعل الله للکافرین علی المومنین سبیلاً» بر عدم جواز ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان نظر داده اند و معتقدند که این نوع ازدواج با لحاظ آیه «للرجال قوامون علی النساء» باعث سلطه غیرمسلمان بر مسلمان خواهد بود. البته در مقابل استدلال شده که اصل عدم سلطه شامل چنین مواردی نمی شود که فرد مسلمان بصورت آزاد ضمن عقد لازم چیزی را برای فرد کافر متعهد گردد و متقابلاً شخص کافر نیز چیزی را به نفع مسلمان برعهده گیرد و گرنه بایستی بگوییم: هرگونه معامله و یا قراردادی که از آن نفعی به کافر برسد ممنوع است و این چیزی است که هیچ فقیهی آن را نگفته است؛ در پاسخ مطرح شده که در عقد ازدواج خصوصیت ویژه ای نهفته است چه این که طبق آداب و رسوم اجتماعی، زن باید در محدوده وسیعی مطیع امر شوهرش باشد. بنابراین لازمه عقد ازدواج با کافر سلطه کافر بر زن مسلمان خواهد بود ولی به هر حال این دلیل اخص از مدعاست زیرا تردیدی نیست که ازدواج زن مسلمان با کافر در تمامی موارد و زمان ها سلطه به شمار نمی آید به خصوص در جوامعی که آزادی عقیدتی بر آنها حاکم است (همان، ۱۳۹۱)

بعضی از نویسندگان معاصر عدم جواز ازدواج زن مسلمان با مرد کافر را معلول عدم اعتراف غیرمسلمان به مشروعیت آیین اسلام دانسته اند. بدین معنا که زن مسیحی در خانواده مسلمان مورد تحقیر دینی قرار نمی گیرد زیرا آزادی مذهبی از طرف اسلام پذیرفته شده است و زن مسلمان در خانواده مسیحی بطور طبیعی مورد تحقیر دینی قرار خواهد گرفت، زیرا مسیحیت آزادی دین را قبول ندارد و تنها مذهب نجات بخش را آیین مسیح می داند چنانکه یهودیت و دین زرتشت نیز چنین تلقی دارند و این احتمال بسیار مقبولی است (حقوقدانان معاصر، الحافظ صیری، المقابلات)

در نتیجه می بینیم که ازدواج مسلم با غیر مسلم در اجماع فقها بطور کلی رد شده و جای هیچ گونه شک و تردیدی در این موضوع نمی باشد.

۶- پیامدهای حقوقی ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه

مشکلات و تبعات ناشی از ازدواج ایرانی با تبعه خارجی از جهات متعدد قابل بررسی و امعان نظر است. یک زن ایرانی که به وسیله ازدواج به زوجیت تبعه خارجی در می آید و به تبع این ازدواج تابعیتش تغییر می یابد، با مسائل و مشکلات عدیده ای مواجه می شود که

تعدادی از آنها را بررسی می کنیم.

۱-۶- محدودیت در تملک (حقوق مالی زنانی که با تبعه بیگانه ازدواج می نمایند)

زنانی که در اثر ازدواج با مرد خارجی، تابعیت خود را که به نفع تابعیت خارجی شوهر از دست می دهند، به لحاظ آن که نسبت به جامعه ایرانی، بیگانه تلقی می شوند و براساس تبصره ۲ ماده ۹۸۷ ق.م، در حقوق آنها نسبت به اموال غیرمنقول محدودیتهایی ایجاد می شود؛ براین اساس، آنها حق داشتن اموال غیرمنقول را در صورتی که موجب سلطه اقتصادی خارجی شود، ندارند، مستند این تبصره «قاعده ی نفی سیل» می باشد که در قانون اساسی ایران نیز به آن تصریح شده است و تشخیص این امر نیز با کمیسیون متشکل از نمایندگان وزراتخانه های خارجه، کشور و اطلاعات واگذار شده است. این تبصره در قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ بسیار سخت گیرانه و بدین شرح بود:

زن های ایرانی که در اثر ازدواج تابعیت خارجی را تحصیل می کنند حق داشتن اموال غیرمنقول جز آنچه که در زمان ازدواج دارا بوده اند، ندارند. این حق هم به وراثت خارجی آنها منتقل نمی شود. (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۶۹) با وجود این مقررات، ماده ۹۸۸ قانون مدنی در قسمت خروج ایرانیانی که تابعیت خود را تغییر داده اند، شامل زنان مزبور نخواهد بود. بنابراین، ازدواج زنان ایرانی؛ با اتباع خارجی، به ترتیب فوق مجاز بوده و دارای آثار متعددی، از جمله تبدیل آنها به تابعیت دولت متبوع همسر (طبق سطر ۲ ماده ۹۸۷ قانون فوق)، محدودیت در حق مالکیت آنان نسبت به اموال غیرمنقول و امکان تحصیل تابعیت همسرشان (تبصره یک و دو همان ماده) است. در این بین، موضوع تبدیل تابعیت یا تحمیل تابعیت بیگانه بر اثر ازدواج با زن ایرانی و امکان بازگشت مجدد زن به تابعیت ایرانی و پیشین خویش از اهمیتی ویژه برخوردار است.

۲-۶- محرومیت نسبی از حقوق سیاسی

حقوق سیاسی مختص ایرانیان است؛ لذا در صورتی که زن تبعه ی دولت ایران نباشد، از آن محروم خواهد شد؛ مانند شرکت در انتخابات یا انتخاب شدن در مناصب سیاسی و قضایی. (نصیری، ۱۳۸۱: ۶۸/۶۹)

۳-۶- تبعیت در احوال شخصی از کشور متبوع

در صورت مزدوجت با بیگانه، احوال شخصی زن دیگر تابع قانون ملی ایران نخواهد بود وفق ماده ۷ ق.م تابع قانون کشور متبوع شوهر می شود.

۴-۶- تابعیت مضاعف

احتمال بروز تابعیت مضاعف در صورتی است که قانون کشور زوج تابعیت شوهر را به زوجه تحمیل کند و زن ایرانی با حفظ تابعیت خود از طریق اقامتگاه یا سیستم خاک نیز تابعیت زوج را تحصیل کند؛ زن شوهردار می تواند تابعیت مضاعف داشته باشد.

۵-۶- آزاد نبودن در انتخاب همسر

اگر زن ایرانی اصرار داشته باشد فرزندش ایرانی شناخته شود و تابعیت شوهر بر او تحمیل نگردد، ناگزیر از انتخاب شوهر ایرانی است؛ لذا آزادی در انتخاب همسر در زندگی زنان ایرانی تحت تأثیر قوانین ناظر بر تابعیت محدود می شود و این در حالی است که مردان آزادی عمل

دارند و می توانند بدون نگرانی همسر خود را از اتباع بیگانه انتخاب کنند، زیرا تابعیت همسر خارجی به آنها تحمیل نشده و تابعیت ایرانی فرزندان حاصل از این ازدواج نیز قطعی است.

۶-۶- میراث و حقوق ارثی

قوانین ایران حقوق مالی و ارثی زنان را که با اتباع بیگانه عقد زناشویی می بندند به شدت محکوم می سازد. به موجب ماده ۹۶۳ ق.م «اگر زوجین تبعه یک دولت نباشند روابط شخصی و مالی بین آنها تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود. زنان از حیث حقوق ارثی حتی از سهم الارث معین در قوانین ایران نیز محروم می شوند. قوانین ایران در موضوع ارث نیز بازتابی از قوانین ناظر بر تبعیت است.

هرگونه ازدواج و ثبت ازدواج با مهاجرین غیرمجاز غیرقانونی است زیرا بخشی از این ازدواج ها با انگیزه های سودجویی و اخذ اقامت با استفاده از ناآگاهی زنان ایرانی صورت می گیرد. این در حالی است که فرزندان بلامتکلیف و زنان رهاشده، حاصل ازدواج با مهاجران غیرمجاز است و مانیز به دلیل عدم در اختیار داشتن مدارک حقوقی از آنها، می توانیم از حقوق این زنان و فرزندان رها شده دفاع کنیم.

۶-۷- محدودیت در حقوق مادی

به موجب ماده ۹۶۴ ق.م روابط بین ابوین و اولاد، تابع قانون دولت متبوع پدر است، مگر اینکه نسبت طفل فقط به مادر مسلم باشد که در این صورت روابط بین طفل و مادر او تابع دولت متبوع مادر خواهد بود. با توجه به قوانین ناظر بر تابعیت، حقوق مادرانه ی زنانی که با اتباع بیگانه پیوند زناشویی می بندند کاملاً تضییع می شود، زیرا قانون مدنی در ایران روابط بین ابوین و اولاد را تابع قانون دولت متبوع پدر اعلام می دارد. از طرفی به موجب بند ۲ ماده ۹۶۱ ق.م اتباع در مورد حقوق مربوط به احوال شخصی که قانون دولت متبوع تبعه خارجه آن را قبول نکرده تابع قوانین دولت متبوع خود هستند. بنابراین حضانت که از جمله اموال شخصی است، در موردی که پدر تبعه خارجی است تابع قوانین حاکم در دولت متبوع او می باشد. از ترکیب مواد قانونی این نتیجه حاصل می شود که چون روابط پدر و مادر یا فرزندان در ایران، تابع قانون دولت متبوع پدر است، لذا زنان ایرانی که با مرد خارجی ازدواج می کنند روابطشان با فرزندان بر پایه قانون دولت متبوع شوهر تنظیم می گردد.

۶-۸- محدودیت در حقوق فرزندان

فرزندانی که محصول ازدواج زن ایرانی با شوهر خارجی هستند و در خارج چشم به جهان می گشایند، این بخت و فرصت قانونی را ندارند تا از تابعیت مادر ایرانی خود بهره مند شوند. مثال ها و نمونه های عینی حاکی است که قوانین برای فرزندان این دسته از مادران ایرانی محرومیت جبران ناپذیری ایجاد کرده است.

آثار این تبعیض در موارد منتقل شده به فرزندان، خانواده ها را در نابسامانی و بلامتکلیفی قرار می دهد. مادران ایرانی در شرایط خاصی با چنان موقعیت نابرابر قانونی مواجه می شوند که نمی توانند پاسخگوی نیازهای فرزندان خود باشند. آنها که به چشم خود می بینند فرزندان شان برای نجات از بی هویتی و بی وطنی به دامن بیگانه پناه می برند، افسوس خورده و در این موقعیت ها آسیب های وارد بر مادران ایرانی به فرزندان شان نیز به تبع مادران منتقل می شود.

برابر بند ۵ ماده ۹۷۶ ق.م برای تابعیت ایران دو شرط لازم است، اول شرط ولادت که با استفاده از سیستم خاک تبعه ی اصلی ایران می شوند؛ دوم اقامت یک ساله در ایران که پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام است.

این گونه تابعیت را نیز می توان «تابعیت اصلی از نوع ارضی» نامید. البته این بند و بند ۴ ماده ۹۷۶ ق.م در زمان تحقق تابعیت متفاوت است؛ در بند ۴، زمان تحقق تابعیت لحظه تولد و در بند ۵، زمان احراز سن ۱۹ سالگی تمام می باشد.

فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی حتی چنانچه در ایران متولد شوند، بیگانه تلقی شده و صرفاً در حدود بیگانگان از حقوق بهره مند خواهند شد. تولد چنین اطفالی در ایران آنها را تنها مشمول موضوع ماده واحده ی قانون تعیین تکلیف فرزندان ناشی از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی خواهد کرد. در حالی که هر طفلی که از زن ازدواج کرده با مرد ایرانی متولد می شود، طبق بند ۲ ماده ۹۷۶ ق.م که مؤید پذیرش خون در نظام قانونگذاری ایران است، به مجرد تولد چه در داخل کشور باشد یا در خارج، ایرانی محسوب می شود. (نصیری، ۱۳۸۱: ۳۰) بنابراین قانون ایران تابعیت اصلی برحسب سیستم خون را فقط از راه نسب پدری پذیرفته و نسب مادری را لحاظ نکرده است.

۹-۶- اختلاف در تابعیت

آن زمانی است که زن و شوهر در بحث تابعیت به مانند ازدواج، زن تبعه ایرانی با مرد تبعه خارجی، دارای اختلاف باشند، این قاعده که نکاح، تابع قانون ملی زن و شوهر است، هم در قانون ایران و هم در قانون بیشتر کشورها اجرا می شود و مادام که زوجین، هر دو تابع یک دولت باشند، اجرای قاعده فوق بلا اشکال خواهد بود، ولی هر گاه زن و مرد تبعه یک دولت (به ترتیب فوق) نباشند؛ اجرای قاعده مذکور بر خلاف شقوق ردیف یک و دو موجد اشکال خواهد بود، زیرا در چنین صورتی، برای تعیین شرایط ماهوی نکاح و حکم به صحت یا بطلان آن، اختلاف نظر وجود داشته و به طریق اولی، در تعیین دادگاه صالحه نیز دچار تشکیک خواهند شد. به علاوه به استناد ماده ۹۷۸ ق.م، در صورت عدم تحمیل تابعیت دولت متبوع تبعه خارجی به زن ایرانی، وی در تابعیت ایرانی باقی خواهد ماند لکن در صورت ایجاد اختلاف در روابط شخصی و مال آنها (زوجین) در ایران از جمله حصول به اختلاف در خصوص مواد ۱۱۰۲ و ۱۱۱۸ قانون مزبور، تعیین قانون صالح و در نتیجه دادگاه ذی صلاح برای رسیدگی و حل و فصل موضوع، دارای اهمیت است.

با وجود این، قانون مدنی ایران در این گونه موارد، قایل به ترجیح قانون دولت متبوع زوج یا همان تبعه خارجه است. زیرا طبق ماده ۹۶۳ آن قانون: اگر زوجین تبعه یک دولت نباشند، روابط شخصی و مال آنها تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود. بنابراین، اگر زن ایرانی که دارای شوهر خارجی است با استناد به قانون ایران، خود را مجاز به همه نوع تصرف در اموال خود بداند، در حالی که قانون دولت متبوع شوهر، زن را مجاز در تصرفات مستقل نسبت به دارایی خود بداند، در اینجا باید زن را به ترتیب فوق، مشمول قوانین دولت متبوع شوهر دانست.

۱۰-۶- بحران های داخلی

جامعه شناسان هشدار می دهند از نظر تابعیت، حداکثر مردان خارجی ازدواج کرده با زنان ایرانی را مردان تبعه افغانستان و سپس اتباع عراقی تشکیل می دهند. آنان بر این باورند که وجود بحران های اجتماعی و سیاسی در این کشورها و باز بودن درهای کشور بر روی مهاجران و آوارگان از عوامل عمده مهاجرت وسیع و گسترده این افراد به کشورمان بوده که متأسفانه به علت تداوم بحران در کشورهای مبدأ، فراهم بودن

شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ایران، حضور مهاجران در کشور تداوم پیدا کرده و زنان ایرانی به گمان رسیدن به آرزوهای واهی، تن به ازدواج با این افراد می دهند.

این در حالی است که همسران خارجی زنان ایرانی به منظور رفت و آمد به کشورشان عمدتاً از طریق مرزهای زمینی اقدام می کنند، اعلام می کنند که برای تردد خود دچار مشکلات زیادی نیستند که این بیانگر عدم وجود، یا عدم اعمال قوانین سخت و دقیق در کنترل ورود و خروج از مرزهاست و این مسئله خود منشأ پیامدهای زیادی از جمله افزایش ازدواج های غیر قانونی و افزایش تعداد فرزندان بی سرپرست، فاقد اسناد هویتی و غیره است.

ثبت ازدواج برای زوجین و فرزندان آنان آثار حقوقی، مالی و اجتماعی به همراه دارد، به همین دلیل است قانونگذار بر ثبت ازدواج تأکید کرده و حتی در قانون مجازات اسلامی برای عدم ثبت ازدواج دائم مجازات در نظر گرفته شده است. در صورت عدم ثبت ازدواج و بروز اختلاف، معمولاً زنان از لحاظ نفقه، مهریه، ارث و نسب فرزندان با مشکلات زیادی مواجه می شوند.

از آن جایی که در ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی، یک طرف عقد، خارجی است ثبت ازدواج آنان برای دفاع از حقوق زن ایرانی بسیار مهم و ضروری است. زنان ایرانی برای ازدواج با اتباع خارجی باید پروانه زناشویی دریافت کنند، پروانه زناشویی در داخل ایران را مقامات وزارت کشور (استانداری ها) و در خارج از کشور را روسای نمایندگی های جمهوری اسلامی ایران صادر می کنند.

اگر بانوان ایرانی بدون رعایت قوانین، مقررات مربوطه و مشاوره های حقوقی اقدام به ازدواج با اتباع بیگانه کنند، برخی مشکلات حقوقی از جمله نبود ضمانت اجرای قانونی و رسمی تعهدات برای پابندی زوج به ادامه زندگی و نیز بلا تکلیفی وضع هویتی فرزندان آنان به وجود خواهد آمد، چرا که در قوانین فعلی یکی از شروط اصلی دریافت شناسنامه برای فرزندان متولد از مادران ایرانی و پدران خارجی، ثبت ازدواج والدین آنها است.

۱۱-۶- پیامد بهداشت روانی

بیشترین میزان ازدواج های بدون پروانه زناشویی با اتباع بیگانه در مناطق مرزی و دورافتاده است، عدم اطلاع از قوانین مهم ترین عامل در وقوع این نوع ازدواج هاست. متأسفانه زنان ایرانی از طریق ازدواج با اتباع خارجی که ۸۰ درصد آنها افغانی هستند، بدون ثبت قانونی و یا حتی رسمی، دچار آسیب های روحی و روانی بسیار می شوند.

به عنوان مثال با تداوم بازگشت اتباع کشورهای افغانستان و عراق به کشورشان، تشدید وضعیت مبهم زنان به طوری که همراه شوهرشان و رفتن به مقصد آنها وضعیت حقوقی روشنی نخواهند داشت و ماندن در ایران و ترک شوهرانشان از طرف دیگر مشکلات عدیده ای برای آنان به وجود می آورد. این زنان پس از مدتی دچار اختلالات روحی و روانی می شوند و بهداشت روانی آنها به خطر می افتد، آنان به یکباره خود را تنها می بینند، با تجمع این شرایط ناگوار دچار انواع افسردگی ها، کاهش اعتماد به نفس، اعتیاد به مواد مخدر و الکل، مشاجرات خانوادگی و غیره می شوند.

۱۲-۶- خودکشی

۶۰ درصد این زنان اقدام به خودکشی می کنند، آنان خودکشی را راهی برای رهایی از یک مسئله یا بحران می دانند و طردشدگی، احساس بی هویتی، ناکامی و شک در زندگی از عوامل مهم این پدیده است، بی بندوباری جنسی و روسپیگری از آسیب های اجتماعی مهم در این زنان می باشد و ترس از بی کفایتی، بی هویتی، اضطراب و افسردگی، مشکلات خانوادگی و فشارهای ممتد روحی از عواملی دیگری است که این گونه زنان را به سمت روسپیگری می کشاند.

میان رواج پدیده ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیانه و احتمال افزایش افراد فاقد هویت اسناد سجلی رابطه معناداری وجود دارد، به طوری که هر چه این پدیده یعنی ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه افزایش یابد، تعداد افراد فاقد هویت و اسناد سجلی نیز به مراتب افزایش می یابد.

نتیجه گیری

نکاح یا ازدواج، رابطه شرعی و حقوقی است که بر مبنای وقوع عقدی خاص بین زن و مرد حاصل می شود و مقتضای ذات این عقد، ایجاد علقه ازدواج بین زوجین و مهمترین یا بارزترین اثر آن ایجاد تمتع جنسی برای ایشان است. آنچه در این مقاله آمده تلاشی بود برای نگاهی عمیق تر و دقیق تر به وضعیت و پیامدهای حقوقی خانواده هایی با ساختار مادر ایرانی و پدر خارجی. در ایران زن و مرد مجرد مطابق عرف اجتماعی تحت حمایت خانواده ی اولیه خود باقی مانده و آسیب کمی را متوجه جامعه بزرگتر خود می کنند، اما فروپاشی خانواده ها متأثر از سهل انگاری در نظارت بر ساماندهی و تشکیل خانواده علی رغم ایجاد تنش های شدید روحی و رویارویی زوجین و فرزندان آنها، موجب گسترش درگیریها و خشونت های خانگی، افزایش آمار طلاق، بروز تأثیرات جبران ناپذیر در فرزندان طلاق و نیز شیوع فحشاء و فساد در جامعه می گردد.

از آنجا که در صورت فروپاشی خانواده زنان خسارت و آسیب بیشتری را متحمل می شوند، قانونگذار باید با وضع قوانین حمایت از این گروه را برعهده بگیرد اگر چه گامهایی در این زمینه برداشته شده است، اما هنوز قوانین حمایتی به ویژه در فرض ازدواج زن ایرانی با خارجیان کامل نیست. بنابراین جهت حفظ استحکام و کمک به بهبود و روابط زناشویی در این خانواده ها می توان مواردی را به شرح ذیل پیشنهاد نمود:

- در انتقال تابعیت به فرزند، زن ایرانی نیز بتواند تابعیت خود را به فرزندش منتقل کرده و فرزند متولد از مادر ایرانی نیز ایرانی شناخته شود.

- با اینکه قانون موجود در موضوع زنان ایرانی ازدواج کرده با اتباع بیگانه از نوع قوانین حمایتی است، اما به نظر می رسد مواد این آیین نامه بیشتر جنبه اخلاقی دارد و آن چنان که باید از این زنان حمایت نمی کند، بنابراین نیاز است که قانونگذار تضمین های حقوقی بیشتری را به خصوص با توجه به ترک خانواده توسط اتباع بیگانه قبل از ازدواج حمایت کند.

- تدوین ماده ای حقوقی قبل از ازدواج برای تضمین دوام و بقای خانواده های با زن ایرانی و مرد خارجی برای جلوگیری از ترک زندگی مشترک توسط اتباع نیز در جهت حفظ استحکام خانواده می تواند راهگشا باشد. همچنین با توجه به اهمیت نقش خانواده و ازدواج در جامعه و مطابق با قوانین ایران بر خلاف تسهیلاتی که برای مردان ایرانی در ازدواج با زنان کشورهای دیگر وجود دارد در خصوص ازدواج دختران و زنان ایرانی با اتباع کشورهای دیگر چنین تسهیلاتی در نظر گرفته نشده است.

نظر به اینکه عدم آگاهی یکی از مهم ترین دلایل شیوع پدیده ی ازدواج بانوان ایرانی با اتباع بیگانه است. لذا آگاهی جوانان به ویژه زنان از پیامدهای حقوقی و اجتماعی این گونه ازدواج ها و اطلاع رسانی مسائل حقوقی به خانواده ها از طریق رسانه های گروهی و همچنین توجه

قانونگذار و مسئولین به آموزش های قبل و حین ازدواج در قالب الزامات قانونی لازم و ضروری است که مسئولین نظام در این خصوص باید اهتمام جدی تری داشته باشند.

فهرست منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابراهیمی، محمد، (۱۳۷۷ ش)، ازدواج با بیگانگان، چاپ اول، تهران، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۳- ارفع نیا، دکتر بهشید، (۱۳۷۰ ش)، حقوق بین الملل خصوصی جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات آگاه.
- ۴- البرزی ورکی، مسعود، (۱۳۷۱ ش)، تهران، پایان نامه (کارشناسی ارشد) دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- ۵- امامی، سید حسن، (۱۳۷۷ ش)، حقوق مدنی، جلد چهارم، چاپ پانزده، تهران، کتابفروشی اسلامی.
- ۶- حر عاملی، محمدی حسن، (۱۳۷۴ ش)، وسائل الشیعه، جلد ۲۰، قم، موسسه آل البيت الاحیاء التراث.
- ۷- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۶ ش)، ترمینولوژی حقوق، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج.
- ۸- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۵ ش)، لغت نامه، بخش دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۹- زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۱۵ ق)، الکشاف، جلد سوم، قم، نشر البلاغیه - سوق القدس.
- ۱۰- سروی مقدم، مصطفی، (۱۳۷۱ ش)، تابعیت غالب و موثر، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۱- شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم، مکتب آیت الله العظمی المرعشی النجفی.
- ۱۲- شیخ الاسلامی، سید اسعد، (۱۳۸۵ ش)، احوال شخصیة ازدواج و پایان آن در مذاهب چهارگانه اهل سنت، چاپ اول، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۳- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۸ ش)، حقوق مدنی (خانواده)، جلد اول چاپ پنجم، تهران، شرکت سهامی انتشار بهمن برنا.
- ۱۴- کاسانی حنفی، (۱۴۰۹ ق)، بدیع الصنائع فی ترتیب الشرائع، المکتبه الحبییه، چاپ اول، تابستان.
- ۱۵- کاشف الغطاء، تحریر الجمله، چاپ اول، المجمع العالمی، للتقرب بین المذاهب الاسلامیه.
- ۱۶- کرکی (محقق ثانی)، (۱۴۱۰ ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، چاپ اول، قم، موسسه آل البيت (ع) الاحیاء التراث.
- ۱۷- متولی، سید محمد، (۱۳۷۸ ش)، احوال شخصیة بیگانگان در ایران، انتشارات سازوکار، چاپ اول.
- ۱۸- موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۹۰ ق)، تحریر الوسیله، چاپ دوم، النجف الاشرف، مطبعه الآداب.
- ۱۹- نجفی، محمد حسن، (۱۳۷۴ ش)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۲۹، چاپ سوم، تهران، چاپخانه اسلامی.
- ۲۰- نصیری، محمد، (۱۳۸۱ ش)، حقوق بین الملل خصوصی، چاپ هفتم، تهران، انتشارات آگاه.
- ۲۱- نوری طبرسی، میرزا حسین، (۱۳۶۸ ش)، مستدرک الوسیله، جلد ۱۴، چاپ دو، قم، موسسه آل بیت الاحیاء التراث.

The Effect of the marriage of Iranian women with foreigners from a jurisprudential and ethical perspective

A Survey on the Effect of the Iranian Woman Marriage to Foreigners

Ali Alebouheh*

Department of religious jurisprudence; Zahedan Branch, Islamic Azad University; Zahedan.

Parviz Moradgholi

Department of religious jurisprudence; Zahedan Branch, Islamic Azad University; Zahedan.

The subject of Iranian woman's marriage to foreigners is considered a serious issue as it has coincided with the arrival of Afghan and Iraqi neighbors to our country. This issue has caused serious problems to Iran. In addition to political and social problems caused by such marriage, it has also a significant effect on their family situation. In the current legal system of Iran, the differences between the citizenship of a husband because of his women are enacted barriers by the legislatures in Article 1060 of the Civil Code; however, the citizenship of a husband lacks any precedent in legal records. In this paper, the concept of marriage and citizenship, arrangements and legal terms relating to the restrictions of marriage of Iranian women to foreigners and its consequences has been investigated. It was suggested that appropriate education about marriage through social media should be given to women. This issue also should be considered serious in the regulations.

Keyword: citizenship, ethical, marriage, barriers to marriage, legal legislation

The corresponding author:

Parviz Moradgholi: A PhD. Student in religious jurisprudence

Ali Alebouheh; Assistant professor

parvizmoradgholi@yahoo.com

dr.alebouyeh@yahoo.com

دراسة تأملية من الناحية الفقهية الاخلاقية على آثار زواج الايرانيات مع الرجال الاجانب

الملخص:

قضية الزواج بين الايرانيات و الرجال من الآجانب قد تحول الى موضوع هامّ جدير بالاهتمام بعد السماح لهم بالاقامة في ايران و قد ارتفع الامر هذا بعد دخول اللاجئين العراقيين و الافغان و أدى الى بروز صعوبات شرعيّة حادّة بالاضافه إلى المشاكل الاجتماعيّة و السياسيّة و العائليّة. و قد وضعت القوانين في الزوجيّة بمنع الامر من حول جنسيه الرجل الاجنبي و المرأة الإيرانيّة في إطار مادّة ١٠٦٠ للقانون المدني. مع أنّ الامر بالمنع لم يكن مسبوقاً في المصادر الفقهية.

هذا المقال قد عالج قضية النكاح و الجنسيّة، و المقومات و الموثرات و الشروط القانونيّة و قيود الدستوريّة للزواج بين الايرانيات و الرجال الاجانب. و نظر العدم علم النساء الايرانيات بموثرات الامر و نتائجه يرى الاقتراح بتعليم القوانين اعلامياً حين الزواج و قبله إطار الإلزامات القانونيّة مهتما بتوفير المعلومات لدى العام.

الكلمات الرئيسية:

الجنسيّة، التأمّلات الاخلاقية، الاجانب، موانع النكاح، القانون المدني

برويز مرادقلي، طالب الدكتوراه بجامعة آزاد الاسلاميّة بزاهدان

الدكتور على آل بويه، استاذ مساعد بجامعة آزاد الاسلاميّة بزاهدان